بازار ایران زیر ذره‌بین سرمایه‌گذاران خارجی

بخش اقتصاد– سرمایه‌گذاری در هر اقتصادی، مولفه‌ای تعیین کننده در افزایش پیشرفت و تحقق هر چه شایسته‌تر توسعه اقتصادی محسوب می‌شود، قاعده‌ای که در ارتباط با اقتصاد ایران مصداق پیدا می‌کند، اما علی‌رغم اهمیت نافذ این امر، موانعی جدی در مسیر حصول مطلوب آن وجود دارد.

جذب سرمایه‌گذاریِ داخلی و خارجی یکی از مولفه‌های بسیار حائز اهمیت در دستیابی به توفیقات و شکوفایی اقتصادی به شمار می‌رود و به تبع، این امر، در ارتباط با اقتصاد ایران نیز مصداق پیدا می کند.

با تأملی بر فرازها و فرودهای تجربه شده در کشورهای توسعه یافته،این واقعیت مُبرهَن و ملموس می شود که در تمامی آنها،موضوع سرمایه گذاری و جذب آن به نحو شایسته ای،عملیاتی شده و با این اوصاف می توان اینچنین عنوان کرد که یکی از حلقه های اصلی زنجیره توسعه اقتصادی به این امر(سرمایه گذاری)معطوف می شود و در فقدان و خلاء آن امکان دستیابی به چنین توفیقی نزدیک به محال خواهد بود. با توجه به اهمیت نافذ و تأثیرگذار سرمایه گذاری (اعم از داخلی و خارجی) تلاش می شود در ذیل این گزارش به الزامات تحقق مطلوب این امر پرداخته شود.

موانعی جدی در مسیر جذب سرمایه‌گذاری

طبق برنامه ریزی انجام شده از سوی دولت(ستاد اقتصادی دولت دوازدهم و تکلیفی که در برنامه ششم توسعه لحاظ شده است)می باید جذب سرمایه گذاری ۶۵میلیارد دلاری در یک بازه زمانی چهار ساله محقق شود، عدد و رقمی درشت و البته جذاب که در صورت عملیاتی شدن آن، وضعیت اقتصادی کشور تا حدود بسیاری متحول خوهد شد، اما توفیق در جذب این میزان از سرمایه گذاری مستلزم تامین ضروریات و پیش نیازهای خاص به خود می باشد،در غیر اینصورت این هدف و طرح نیز، مانند بسیای از طرح‌های دیگر بر روی کاغذ خواهد ماند و یا بصورت نیمه کاره انجام خواهد پذیرفت.

در طول ماه ها و سالیان گذشته، تلاش هایی برای جذب سرمایه‌گذاری در کشور در دستور کار قرار گرفته و البته برخی از آنها به بار و نتیجه نشسته است،اما آنچه حاصل شده برای جهش اقتصادی و دستیابی به طرح ها و ایده های مورد نظر کافی به نظر نمی رسد و برای تکمیل نمودن سیکل دستیابی به اهداف مد نظر در این خصوص، می باید زیر ساخت های مرتبط با آن فراهم شود.

یکی از موارد مهم در این عرصه، به ثبات اقتصادی معطوف می شود، به واقع در شرایطی که ثبات لازم در اقتصاد وجود ندارد و به تعبیری اقتصاد کشور پیش بینی ناپذیر و آبستن وقایع و رخدادهای متعدد است، عملا ریسک سرمایه‌گذاری به میزانی بالا می رود که سرمایه گذار از پذیرش چنین خطری اجتناب می کند.

چندی پیش، فریال مستوفی، رئیس کمیسیون سرمایه گذاری اتاق ایران در جلسه ای در ارتباط با موانع و راهکارهای سرمایه‌گذاری در ایران، بیان کرد: مهمترین شاخص در سرمایه گذاری خارجی به امنیت سرمایه معطوف می شود اما متاسفانه در ایران شاخص امنیتِ سرمایه ضعیف بوده و نمی تواند سرمایه گذار را به حضور در این بازار ترغیب کند.

بهروز هادی زنوز، عضو سابق هیات علمی دانشکده اقتصادِ دانشگاه علامه طباطبایی نیز جذب سرمایه گذاری را منوط به داشتن دو پیش شرط وجود بخش خصوصیِ قدرتمند و شکل گیری اقتصاد رو به رونق بیان کرد و در عین حال، تمایل اقتصاد ایران به سمت تعامل با دنیا، را از مولفه های اثرگذار در حصول این امر می داند.

یکی دیگر از ارکان تاثیرگذار در جذب سرمایه گذاری به حذف بروکراسی پیچیده اداری و همسان سازی قوانین داخلی با قوانین بین المللی باز می‌گردد.

کم نیستند سرمایه گذارانی که از پیچیدگی‌های اداری در مسیر سرمایه‌گذاری گلایه و شکوه و به تعبیر صحیح‌تر از آن فرار می‌کنند.

در همین ارتباط، سید حمیده زرآبادی (نماینده مردم کرج در مجلس شورای اسلامی) می‌گوید: با کوتاه کردن و تسهیل و تسریع روند فرآیند جذب سرمایه گذاری،توفیقات هر چه بیشتری در این عرصه حاصل می شود و حتی می توان نسبت به جذب سرمایه گذاری از سوی ایرانیان خارج از کشور نیز به موفقیت های بسیاری نائل شد،اما متاسفانه بروکراسی و فرآیند سرمایه گذاری در کشور طولانی و فرسایشی و به نوعی خسته کننده است.

وی در این خصوص معتقد است، انتظار می‌رود با رفع موانع،سرعت و روند سرمایه‌گذاری تسریع شود و در این میان دور شدن بانک‌ها از فعالیت های اقتصادی ضروری است.

بانک‌ها حمایت از کسب و کار را دنبال نمی‌کنند

کیومرث فتح الله کرمانشاهی، معاون اسبق سازمان توسعه تجارت ایران در تشریح نقاط ضعف پیش روی موجود در ایران در حوزه جذب سرمایه گذاری می گوید: در طول سالیان اخیر(پسابرجام)گروه های متعدد و هیات های تجاری و اقتصادی بسیاری در ایران حضور پیدا کرده اند، اما به دلیل مشکلات جاری و ساری در عرصه اقتصادیِ کشور آنچنان که باید این حضور نتیجه بخش نبود.

وی معتقد است: بانک‌ها در ایران برخلاف بانک‌های کشورهای خارجی، سیاست حمایت از کسب و کارها را دنبال نمی‌کنند و همین عارضه جذب سرمایه‌گذاری را سخت و دشوار می‌کند و به موازات آن با در نظر گرفتن مشکلات موجود در ارتباط با انتقال پول بین بانک های ایران و بانک های بین المللی بیش از پیش به مشکلات و چالش های موجود در این عرصه(سرمایه گذاری)پی خواهیم برد.

معاون اسبق سازمان توسعه تجارت ایران در ادامه می افزاید: مقررات زدایی از دیگر ضروریاتی است که باید در عرصه اقتصادی به آن توجه شود و باید قوانین موجود در حوزه تجاری و اقتصادی را حتی المقدور به قواعد و قوانین بین المللی نزدیک کنیم.

از ضرورت توجه به جذب سرمایه گذاری داخلی تا لزوم حمایت از صنایع کوچک و متوسط

احمد رستمی، یکی از فعالان حوزه صنعتی و تولیدی در گفت‌وگو با باشگاه خبرنگاران جوان، با اشاره به لزوم توجه هر چه بیشتر به صنایع کوچک و متوسط در کشور گفت:با مطالعه و بررسی اخبار و گزارشات مرتبط با جذب سرمایه گذاری در ایران، این واقعیت محرز می شود که عمده کانون سرمایه‌گذاری‌ها به عرصه هایی همچون نفت،گاز، پتروشیمی و به عبارتی صنایع سنگین و بزرگ معطوف می شود، در شرایطی که بصورت طبیعی با عنایت به ویژگی هایی که از ایران در اذهان تمامی سرمایه گذاران خارجی وجود دارد،میل و رغبت به تزریق سرمایه در این بخش ها بالا است،اما زمانی می توانیم در سایه جذب سرمایه گذاری به موفقیت های هر چه بیشتری دست یابیم که صنایع کوچک و متوسط نیز برای سرمایه گذاران جذاب باشد.

وی افزود: با این اوصاف،انتظار می رود در معرفی و هموار ساختن بستر و زمینه برای جذب سرمایه گذاری، به حوزه های کوچک و متوسط نیز توجه شود و تدابیرِ کاربردی و عملیاتیِ لازم در این خصوص اتخاذ شود.

رستمی گفت: از سوی دیگر نباید این واقعیت را از نظر دور داشت که جذب سرمایه‌گذاریِ صِرف به عرصه خارجی خلاصه نمی‌شود و اساسا در صورت توفیق در جذب سرمایه‌گذاری داخلی به‌صورت اصولی و هدفمند، زمینه برای حضور فعالانه تر سرمایه‌گذاران خارجی بصورتی مطلوب و شایسته فراهم خواهد شود.

این فعال صنعتی و تولیدی گفت: این امر بصورت مصرح با قید عبارت اقتصاد درون زا و برون نگر در سیاست های اقتصاد مقاومتی مورد تاکید قرارگرفته و می طلبد با جدیت در این راستا گام برداشته شود و قطعا حرکت در این مسیر توفیقات بسیاری در حوزه جذب سرمایه گذاری را در پی خواهد داشت.

سرمایه‌گذاران خارجی وضعیت داخلی اقتصادی کشور را با دقت رصد می‌کنند

در پایان ذکر این نکته ضروری و الزامی است که هر آنچه بر تعدد و تکثر مشکلات و نارسایی‌های اقتصادی کشور افزوده شود به همان میزان میل و رغبت سرمایه گذاران خارجی برای فعالیت اقتصادی در ایران نیز کاهش خوهد یافت.

به تعبیر ساده‌تر، موفقیت در جذب سرمایه‌گذاری خارجی به‌صورت خودکار با کاهش مشکلات اقتصادی حاصل خواهد شد، زیرا سرمایه گذاران خارجی به دقت، پیش از هرگونه تزریق سرمایه، ابتدا به ساکن، وضعیت موجود از محل سرمایه‌گذاری را رصد و مورد مطالعه قرار می دهند و نمی‌توان راهکار برون رفت از مشکلات اقتصادی را صرفا به جذب سرمایه‌گذاری خارجی خلاصه کرد، بلکه حصول این امر به موازاتِ دیگر توفیقات اقتصادی، شرایط را برای حصول تحول شایسته هموار می‌سازد، امری که همسو و هم نوا با یکدیگر پیش خواهد رفت.

بیراهه‌ای به نام بازار ارز

بخش اقتصاد– در شرایطی که بیشتر کارشناسان اقتصادی ،کمبود نقدینگی را یکی از مشکلات عمده پیش روی تولید می دانند،حجم نقدینگی کشور قریب به ۱۵۰۰ هزار میلیارد تومان برآورد می شود. به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان،کمبود نقدینگی،چالشی است که در طول سالیان اخیر،بسیاری از واحدها و مراکز تولیدی کشور را با مشکلات و نارسایی هایی عدیده مواجه ساخته است. وقتی پای درد دلِ صنعت کاران می نشینیم یکی از فصل مشترک های گلایه های این طیف بَه کمبود نقدینگی معطوف می شود و در صورت رفع این کاستی،بخش قابل توجهی از مشکلات تولید کنندگان مرتفع خواهد شد و این در شرایطی است که در کمال تعجب،حجم نقدینگی کشور کم نیست و بر اساس آخرین برآوردهای انجام شده،میزان نقدینگی موجود در کشور قریب به ۱۵۰۰ هزار میلیارد تومان برآورد می شود.

قطعا با اندکی تامل به روشنی می توان به این واقعیت پی برد که طبیعتا این حجم انبوه از نقدینگی در حوزه تولید کشور متمرکز نشده که اگر اینچنین بود در طول سالیان اخیر،گلایه مشترک اکثریت تولیدکنندگان حول محور کمبود نقدینگی نمی چرخید.

بنابر گزارشات منعکس شده از سوی بانک مرکزی،حجم نقدینگی در اواسط زمستان سال ۱۳۹۶ ،به بیش از یک هزار و ۴۶۰ میلیارد تومان افزایش یافته بود و به احتمال قریب به یقین این میزان در شرایط فعلی از مرز ۱۵۰۰ هزار میلیارد تومان نیز گذشته است،با همه این اوصاف حتی در صورت مبنا قرار دادن همان عدد اعلام شده از سوی بانک مرکزی در دی ماه سال گذشته،این میزان رقمی بزرگ به شمار می رود که در صورت سوق پیدا کردن آن به سمت تولید،صنعت کشور را با تحولی چشمگیر همراه خواهد ساخت. بنابر اخبار و گزارشات موجود،قریب به یک هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان از این نقدینگی بصورت سپرده های مدت دار به سمت بانک ها هدایت شده است.

در چنین شرایطی این ابهام در ذهن پدیدار می شود که چرا چنین عدد و رقم درشتی که بخش قابل توجهی از مشکلات بخش صنعتی کشور را حل و فصل می کند،به سمت تولید، سوق پیدا نکرده و ترجیح داده در حساب ها و سپرده های بانکی آرام گیرد.

اگرچه بانک ها نیز به در دستورکار قرارگرفتن اعطای ۵۰۰ هزار میلیارد تومان به واحدها و مراکز تولیدی و صنعتی اشاره می کنند اما ارزیابی ها نشان می دهد تمامی این تسهیلات به بخش های مولد تزریق نشده،زیرا اگر چنین امری عملیاتی می شد،حجم قابل توجهی از مشکلات و چالش های صنعتی و تولیدی کشور کاسته می شد.

متاسفانه حجم نقدینگی در طول سالیان گذشته به میزان چشمگیری رشد یافته و اساسا یکی از دلایل بی ثباتی نرخ ارز و طلا نیز به همین امر باز می گردد.

این یک قاعده و هنجار طبیعی است که نقدینگی به سمتی سوق پیدا می کند که از مقصد خود منفعت لازم را کسب کند و در شرایطی که رکود بر عرصه تولیدی و اقتصادی کشور حاکم است،بی میلی نقدینگی به حرکت به سمت صنعت،غیر منتظره نخواهد بود و در نقطه مقابل نقدینگی به سمت حوزه های دیگری همچون دلالی ، و بازارهای غیر مولد به حرکت در می آید.

سرازیر شدن نقدینگی به سمت بازار ارز و طلا شاهدی بر این ادعا است که طی هفته ها و ماه های گذشته به ایجاد تلاطماتی در این عرصه منتهی شد.

در اقتصاد سالم،سود تولید بالاتر از بانک ها است

چندی پیش،حسین سلاح ورزی،نایب رئیس اتاق ایران،در گفت و گویی با رسانه ها با اشاره به لزوم ثبات و قابل پیش بینی شدن اقتصاد کشور،عنوان کرد:تا زمانی که اقتصاد کشور قابل پیش بینی نباشد و ثبات لازم بر آن حاکم نشود،به تبع هزینه تولید نیز پایین نخواهد آمد و از سوی دیگر نباید این واقعیت را از نظر دور داشت که در فضایی که بهره وری بهبود قابل توجه نیابد و امکان رقابت فراهم نشود،نقدینگی نیز به سوی تولید سوق پیدا نخواهد کرد.

وی با اشاره به وجود مشکلاتی که در مسیر تولید کشور وجود دارد به عنوان مانعی در برابر حرکت نقدینگی به سمت تولید،می گوید:باید این امر را پذیرفت که اقتصاد کشور بصورت سنتی اداره می شود و در چنین فضایی پس انداز کنندگان چند بازار شناخته شده معمول را که مشهورترین آنها به بازار پول که کانون اصلی آن بانک ها است،متمایل می شوند. به نوعی در صورت مبنا قرار دادن نظریه و اظهارات نایب رئیس اتاق ایران می توان اینچنین نتیجه گیری کرد که دارندگان نقدینگی،ریسک سرمایه گذاری در بانک ها و بازارهای اینچنینی را به مراتب کمتر از تولید تصور می کنند. سلاح ورزی در ادامه می افزاید:اساسا در اقتصاد سالم،سود بخش تولید بالاتر از بانک ها است و در چنین بستری بصورت طبیعی،منابع و نقدینگی به حوزه تولید تزریق خواهد شد.

افزایش حجم نقدینگی،در اقتصاد مانند یک بمب عمل می کند

بر اساس این گزارش مرتضی افقه،از اساتید اقتصاد نیز معتقد است،حجم نقدینگی زمانی می تواند به رکود منجر نشود که متناسب با تولید ملی باشد و به واقع در سالیان گذشته،رکود اقتصادی و رشد نقدینگی را (توامان با یکدیگر)شاهد بوده ایم. وی می گوید:افزایش میزان نقدینگی در کشور،به مثابه فنری است که در حال جمع شدن است و در صورت رها شدن،این افزایش می تواند به تورم ۳۰ تا ۴۰ درصدی منتهی شود. افقه در گفت و گو با رسانه ها،ضمن موفق تر خواندن سیاست اقتصادی دولت یازدهم در مقایسه با دولت فعلی(دوازدهم)عنوان کرد:در دولت یازدهم نگرانی و هراسِ تورم وجود نداشت اما در شرایط فعلی این نگرانی وجود دارد که کوچک ترین اقدامی برای رونق اقتصادی کشور،به تورم و افزایش سطح عمومی قیمت ها منتهی شود. این کارشناس اقتصادی می گوید:افزایش حجم نقدینگی به مانند یک بمب عمل می کند و به نظر می رسد در صورت استمرار سیاست های موجود از سوی دولت و بانک مرکزی و یا تصمیم برای ایجاد رونق در بازار،تورم دو رقمی مجددا به اقتصاد کشور باز خواهد گشت.

بانک ها موظف به ارائه تسهیلات با نرخ سود پایین به تولیدکنندگانِ خُرد و صنایع کوچک شوند

علیرضا پور فرج،کارشناس اقتصادی عنوان کرد:با توجه به رشد نقدینگی در کشور،شرایط برای ایجاد رونق در بخش های مختلف وجود دارد،مشروط بر اینکه،حجم نقدینگی موجود،به بخش های مولد هدایت شود.

وی افزود:یکی از بزرگ ترین مشکلات موجود در حوزه اشتغالزایی به این امر باز می گردد که بسیاری از بنگاه های فعال در گذشته،به دلیل رکود،کارگران و نیروی انسانی خود را تعدیل و اخراج کرده اند که باید در این خصوص چاره اندیشی شود.

این کارشناس اقتصادی تصریح کرد:رشد و رونق اقتصادی در گرو هدایت منابع مالی و نقدینگی موجود به سمت تولید است و باید سیاست هایی اتخاذ شود تا بانک ها را موظف به ارائه تسهیلات با نرخ سود پایین و با نظارت دقیق به تولیدکنندگان خرد و صنایع کوچک کند. پور فرج با بیان اینکه در حال حاضر نکته قابل توجه و پر اهمیت،بازگرداندن بنگاه های تعطیل شده به چرخه اقتصادی است،یادآور شد:سیاست های حمایتی دولت باید در این خصوص افزایش یابد و تامین منابع مالی نیز در اولویت قرار گیرد.

عدم هدایت صحیح نقدینگی سرگردان برای اقتصاد کشور مخرب و خسارت بار خواهد بود

چندی پیش حمید رضا فولاد گر، نماینده مردم اصفهان در مجلس شورای اسلامی در گفت و گویی با رسانه ها در تشریح تبعات و پیامدهای نقدینگی سرگردان در کشور عنوان کرد: نقدینگی سرگردان هر روز به اقتضای شرایط به سمتی سوق پیدا می کند ، یک روز سراغ بازار طلا و سکه ، یک روز سمت بازار گوشی و موبایل ، یک روز سمت بازار ارز و یک روز سمت بازار سرمایه و بانکی می رود ، البته بازار سرمایه و بانکی به نوعی سازنده تر از دیگر حوزه های اشاره شده همچون طلا ، ارز و ... به شمار می رود.

وی در ادامه می افزاید : عدم هدایت نقدینگی به سمت عرصه تولیدی کشور منجر به کشیده شدن آن به بخش های دیگر می شود که این موضوع به نفع اقتصاد کشور نخواهد بود و تبعات آن در مواردی همچون بی ثباتی ارزی، بروز پیدا می کند و به واقع با اختلاف عرضه و تقاضا یا یک اختلاف رسمی و غیر رسمی ، بازار جاذبه پیدا می کند و به یکباره پولهایی به سمت بازار ارز رفته و در عرض چند ماه ارزش پول ملی با تَنَزُل مواجه می شود .

امید آن می رود با همگرایی دستگاه های ذیربط و هوشمندی بانک مرکزی در مدیریت نقدینگی کشور و البته حمایت همه جانبه از تولید داخلی ، جذابیت سود تولید در کشور به میزانی تقویت شود که اولویت اول صاحبان سرمایه و دارندگان نقدینگی به مقوله تولید دو چندان شود و قطعا در چنین شرایطی در تحقق شعار سال (حمایت از کالای ایرانی) نیز به توفیقات هر چه بیشتری نائل خواهیم شد.

چرتکه

برنده‌ها و بازنده‌های بازار نفت

بخش اقتصاد– افزایش قیمت نفت یک شمشیر دو لبه برای اقتصاد جهانی است؛ با افزایش ۱۸ درصدی قیمت نفت خام در سال جاری که بالاترین نرخ از سال ۲۰۱۴ محسوب می شود،صادرکنندگان نفت از شرایط پیش آمده راضی هستند،حال آنکه مصرف کنندگان نفت از این افزایش‌ها زیان می بینند.

به گزارش خبرآنلاین به نقل از بلومبرگ، ادامه افزایش قیمت نفت بستگی به این دارد که این افزایش ها تا کجا ادامه خواهد یافت.شوک نفتی حاصل از کاهش عرضه به اندازه کافی منفی بوده،اما قیمت های بالاتر به دلیل تقاضاهای قوی در اقتصاد جهانی برای کسب رشدهای بیشتر اتفاق افتاده است. در این میان اما، برنده ها و بازنده ها در میان اقتصادهای نوظهور وجود دارند.کشورهایی که به واردات انرژی وابسته هستند و افزایش هزینه ها به آنها فشار وارد می کند در نتیجه ناچارند در پرداخت های خود توازن ایجاد کنند.این در حالی است که برای خزانه دولتهای صادرکننده این افزایش ها نوعی کمک محسوب می شود.

بخشی از افزایش قیمت نفت ناشی از اعلام دونالد ترامپ رییس جمهور آمریکا برای خروج از توافق درباره برنامه هسته ای ایران است. افزایش شاخص قیمتی کالا بعد از اینکه دولت آمریکا این خبر را اعلام کرد، به بیش از ۷۱ دلار رسید که نشان داد که هیجان افزایش سرمایه گذاری در نفت کاهش یافته است.

رشد جهانی چه معنی دارد؟

رشد اقتصاد جهانی در سال جاری به بالاترین حد خود از سال ۲۰۱۱ رسیده است،هرچند قیمت نفت بالاتر از درآمد خانوارها و هزینه های مصرف کنندگان است،اما تاثیر آن خیلی متفاوت است. اقتصاد اروپا و بسیاری از کشورهای واردکننده نفت از این افزایش ها آسیب خواهند دید و رشدهای خود را تعدیل خواهند کرد. چین به عنوان بزرگترین وارد کننده نفت در انتظار تورم است و قیمت ها از ابتدای سال ۲۰۱۸ به میزان ۲,۳ درصد افزایش یافته است.اقتصاددانان می گویند که برای دستیابی به رشد پایدار نیاز است که قیمت نفت افزایش یابد و این مرحله تثبیت شود.

تغییرات فصلی به این معناست که هزینه ها معمولا در نیمه اول سال افزایش می یابد.مصرف کنندگان می توانند همچنین منابع انرژی را برای کاهش هزینه های خود به گاز یا سوخت های تجدیدپذیر تغییر دهند.

ایران چطور بر بازار تاثیر خواهد گذاشت؟

قیمت نفت در سال جاری ۱۴ درصد افزایش یافته است،نیمی از این افزایش البته به دلیل تاثیر افزایش تقاضای جهانی است. مابقی احتمالا به دلیل افزایش تنش ها با ایران و سایر شوک های عرضه است.

بازگشت تحریم ها می توانند صادرات نفت ایران را تحت تاثیر قرار دهد،اما این تحلیل هم وجود دارد که شوک عرضه موجب پمپاژ تولید در کشورهای دیگر شده وبه دنبال افزایش عرضه قیمت ها کاهش یابد.

چه کسی برنده قیمت نفت بالاست؟

بیشتر کشورهای تولیدکننده نفت اقتصادهای نوظهور هستند.عربستان سعودی تا سال ۲۰۱۶ تقریبا ۲۱ درصد از تولید ناخالص داخلی اش را درآمد نفت تشکیل می داد که بیش از دوبرابر روسیه که یکی از ۱۵ اقتصاد نوظهور دسته بندی شده است.

دیگر برنده ها می تواند کلمبیا و نیجریه باشد. افزایش قیمت نفت به این کشورها کمک خواهد کرد تا کسری بودجه خود را تامین کنند و به دولت اجازه می دهد که هزینه های بیشتری را برای سرمایه گذاری در نظر بگیرد.

چه کسی بازنده است؟

هند،چین،تایوان،شیلی،ترکیه،مصر و اوکراین از جمله کشورهایی هستند که در لیست نگران های افزایش قیمت نفت قرار دارند.پرداخت بیشتر برای نفت هزینه های دولت های آنان را افزایش خواهد داد و اقتصاد آنها را تحت فشار قرار می دهد.خصوصا آنکه از افزایش نرخ بهره آمریکا آسیب پذیر خواهد شد. تحلیلگران بازار معتقدند که شاخص حساسیت در مورد اقتصادهایی که اکثرا در آسیا قرار دارند،قضاوت می کند. آنها به مالزی تایلند،چین و اندونزی اشاره می کنند که می توانند از افزایش قیمت نفت زیان ببینند.

افزایش قیمت نفت بر بزرگترین اقتصاد آمریکا چه تاثیری دارد؟

افزایش قیمت نفت، تاثیر کمی بر ریسک های اقتصاد ایالات متحده خواهد گذاشت،به این دلیل که تولید نفت شیل را افزایش خواهد داد. در بین اقتصاددانان این تئوری مطرح است که هر ۱۰ دلار افزایش قیمت نفت تولید ناخالص داخلی آمریکا را ۰,۳ درصد کاهش خواهد داد.مارک زندی اقتصاددان می گوید: در حال حاضر این کاهش حدود ۰,۱ درصد است.هرچند که تولید نفت شیل را هم به صرفه تر خواهد کرد.بیکر هیوج در حال حاضر تعداد چاههای نفت خود را به بالاترین سطح از سه سال گذشته رسانده است.

همانطور که ایالات متحده بزرگترین صادرکننده و واردکننده نفت خام در جهان است،بعضی ای پیش بینی ها درباره بازار نفت چندان خوشبینانه نیست. گریگوری داکو رییس اقتصاددانان دانشگاه آکسفورد پیش بینی کرده که امسال قیمت نفت وست تکزاس اینترمدیت به طور میانگین ۷۰ دلار در هر بشکه خواهد بود که این موضوع رشد ایالات متحده را ۰,۷ درصد کاهش خواهد داد.